

تاریخچه چهارشنبه سوری

تا پیش از پایانه های دوران ساسانی، در ایران باستان روز های ماه هرکدام نامی ویژه داشت و هرگاه نام ماه با نام روز برابر میشد آن روز آسوده روز و روز شادمانی و جشن بود. هفته از اواخر دوره ساسانی در گاهنامه ایرانی رواج پیدا کرده است. در ایران کهن هرروز ماه نام ستارگان و یا نام فرشتگان و یا امشاسپندان را داشت. در اواخر دوران ساسانی که با هجوم تازیان به کشور ما برابر بود هنوز از نام های هفته؛ شنبه و یکشنبه استفاده نمی شد و هرروز نامی از یک ستاره و یا نماد آسمانی را داشت، (کیوان شید، مهر شید، مه شید، بهرام شید، تیر شید، اورمزد شید، ناهید شید) نام های شنبه و یکشنبه بعد از هجوم اعراب به فرهنگ ایران وارد شد. بنابراین اگر در جایی گفته شود چهارشنبه سوری مراسمی باستانی است و از دوهزار سال پیش وجود داشته است تا حدی غیر متعارف و با تاریخ این روزشادی برابر نخواهد بود.

چهارشنبه سوری ارتباطی با اسلام ندارد ولی ظاهراً پس از هجوم اعراب از سوی ایرانیان برای جلوگیری از تجاوزات فرهنگی تازیان در فرهنگ ایران در یک چنین روزی پدیدار شده است.

در گاهنامه ایران باستان سال ۳۶۰ روز بوده که در آخر اسفندماه ۵ روز به آن می افزودند و هر چهار سال یک روز اضافی هم به آن می افزودند. ایرانیان در آن پنج روز آخر آتش می افروختند و آنرا گرامی میداشتند و نمادی از پاکی و مهر به حساب می آمد.

در پنج روز پایانی سال در بالای کاخ های سلطنتی و یا ساختمان های بزرگ شهر خرمی از آتش روشن می کردند و دیگر شهروندان نیز بنا به پیروی از آنان، بر بالای بام خود آتش روشن می نمودند.

آتش افروزی نه در ستایش آتش بلکه به پاسداشت آتش که نماد پاکی بود افروخته می شد. روشن کردن آتش بدون داشتن وسایل بنزین و نفت و از این دست و یا کبریت آسان نبود بنابراین آتش در هر جا روشن می شد پاسداشت می شد تا پیوند داشته باشد. هر جا که آتش بود زندگی و نماد زندگی هم بود، هر جا که آتش خاموش می شد به آن می مانست که مردمان آن شهر و دیار مرده باشند.

روایت است که می پنداشتند، تمام بدیها و سیاهی ها در آتش می سوزد و پاک گردانیده می شود. از روی آتش می پریدند و می گفتند: سرخی تو از من، زردی من از تو. منظور از سرخی کردار نیک و منظور از زردی کردار زشت و ناپسند است.

زردی و رنجوری من از تو سرخی و خرمی تو از من

در زمان هخامنشیان خرمی از آتش را به سه کوپه تقسیم می کردند؛ بنام (آسمان، آذر و آبان) که سه فرشته نزدیک به اهورامزدا هستند، و با همان روش می پریدند. پس از آن آتش را به هفت قسمت کرده و بنام هفت امشاسپند، از روی آنها می پریدند.

پس از آنکه در پایانه دوران ساسانی هفته به گاهنامه ایرانی وارد شد، این آتش افروزی پنج روز آخر سال به عصر روز سه شنبه یا شب چهارشنبه که به چهار سوری مشهور شد اختصاص یافت. بنا بر این چهارشنبه سوری بازمانده آن آتش افروزی ۵ روز آخر سال در ایران باستان است. به احتمال زیاد زرتشتیان برای این که آن مراسم آتش افروزی و پاک گردانی و احترام به مهر و نمادی از چهار نماد اصلی از بین نرود چهارشنبه را که در دین تحمیلی به ایرانیان به روز نحس مشهور بود وصل کرده اند تا بتوانند این سنت باستانی را پاسداری بکنند.

در زبان پهلوی «بهیزک» به سالی می گویند که در آن ۳۶۶ روز است (کبیسه) روز ششم را در زبان پهلوی باستان - اورداد - نام نهاده اند که به چم روز زیادی هم آمده است.

نام پنج روز پایان سال که بهیزک یا پنجه نامیده می شوند بدینسان است:

۱- اهوئه و ت گاه ۲- اوشته و ت گاه ۳- سپننه مت گاه ۴- وهوخستر گاه ۵- وهشتو نیت گاه

هر یک از سی روز ماه نام ویژه ای داشته اند که نام دوازده ماه سال هم در میان آنها است.

۱- اورمزد، ۲- بهمن، ۳- اردیبهشت، ۴- شهریور، ۵- سپندارمز، ۶- خرداد، ۷- امرداد، ۸- دی به آذر، ۹- آذر، ۱۰- آبان، ۱۱- خور، ۱۲- ماه، ۱۳- تیر، ۱۴- گوش، ۱۵- دی به مهر، ۱۶- مهر، ۱۷- سروش، ۱۸- رشن، ۱۹- فروردین، ۲۰- وهرام، ۲۱- رام، ۲۲- باد، ۲۳- دی به دین، ۲۴- دین، ۲۵- ارد، ۲۶- اشتاد، ۲۷- آسمان، ۲۸- زامیاد، ۲۹- مانتره سپند، ۳۰- انارام ۱ - اورداد (روز اضافی که من به آن افزوده هم تا روزهای ماه در هم ریخته نشود)

"سور" در زبان و ادبیات پارسی و برخی گویش های ایرانی به چم "جشن"، "میهمانی" و "سرخ" آمده است.

یکی از آداب و مراسم باستانی ایرانیان کهن که همچنان در فرهنگ و تمدن این گسترده دارای جایگاه ویژه و مفاهیم ژرف و پایداری می باشد، مراسم «چهارشنبه سوری» است که به ترتیبی که در بالا اشاره شد برگزار می شد.

به هر حال مراسم شادی آفرین چهارشنبه سوری همچون معدود آیین های ملی ایرانیان باستان، ضمن گذر از روزگاران درازی بدست ما رسیده است. در روایت ها آمده است؛ ایرانیان آتش افروزی پایان سال خود را به شب آخرین چهارشنبه میانداختند تا پیشامدهای سال نو از آسیب روز پلیدی چون چهارشنبه برکنار بماند. البته روشن است که این «خرافه» پس از هجوم تازیان به کشور ما به صورت زنگوله به پای پاسداشت آتش در پنج روز آخر سال آویزان شده است و گرنه در داده های باستانی ایران جایگاهی برای خرافه وجود ندارد.

این جشن و سرور ملی در فرهنگ پارسی پس از ساسانیان به عنوان پیش درآمد عید نوروز نیز شناخته شده است که همواره در طول تاریخ، پیش از فرا رسیدن سال نو و چرخش سال نو و آمدن نوروز برپا می شده و هنوز هم در بین شهروندان ایرانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

ایرانیان آخرین سه شنبه سال خورشیدی را با بر افروختن آتش و پریدن از روی آن به استقبال نوروز می روند.

هر چند که شاید چهارشنبه سوری آمیزه ای از رستک ها و آئین های گوناگون یا دگر گون شده در گستره زمان باشد ولی در هر حال اکنون به عنوان یک سنت دیرینه پایدار می باشد که بصورت یک جشن و شادمانی در شب آخرین چهارشنبه سال کهنه و در سرآغاز سال تازه برگزار می گردد. به این صورت که در واپسین روزهای سال و تدارک برنامه های نوروز باستانی، لایه های گوناگون شهروندی، روستائی و کشاورز ایرانی بویژه جوانان و کودکان از دمدمه های فرو رفتن خورشید آخرین سه شنبه پیش از آخرین چهارشنبه در کوچه و پس کوچه های هرکوی و برزن، آتشی روشن می کنند و آنگاه با نشاط و سرور وصف ناپذیری شعر معروف:

^۱ - اورمزد= اهورامزدا، هستی بخش بزرگ دانا ۲- بهمن= اندیشه نیک، ۳- اردیبهشت= بهترین راسی و پاکی، ۴- شهریور= شهریاری نیرومند، ۵ - سپندارمز= فروتنی، ۶- خرداد= تندرستی و رسایی، ۷- امرداد= بی مرگی جاودانگی، ۸- دی به آذر= آفریدگار، ۹- آذر= آتش، ۱۰- آبان= آبها هنگام آب، ۱۱- خور= آفتاب، خورشید، ۱۲- ماه= ماه، ۱۳- تیر= ستاره باران، ستاره تیر، ۱۴- گوش= گنوش جهان هستی، ۱۵- دی به مهر= آفریدگار، ۱۶- مهر= دوستی، پیمان، ۱۷- سروش= فرمانبرداری، ۱۸- رشن= دادگری، ۱۹- فروردین= فروهر، نیروی پیشرفت، ۲۰- وهرام= پیروزی، ۲۱- رام= رامش، شادمانی، ۲۲- باد= باد، ۲۳- دی به دین= آفریدگار، ۲۴- دین= دینو= بینش درونی و وجدان، ۲۵- ارد= (اشی) دارای خوشبختی، ۲۶- اشتاد= راستی، ۲۷- آسمان= آسمان، ۲۸- زامیاد= زمین، ۲۹- مانتره سپند= گفتار پاک، ۳۰- انارام= فروغ و روشنائی های بی پایان- ۳۱- اورداد به چم روز زیادی است که در دوران باستان به روز های زیادی آخر سال می گفتند چون برای روز ۳۱ نامی مشخص نشده است بنابراین این نگارنده بجای بهم زدن روز های ماه و بهره گیری از اورمزد در روز سی و یکم ماه نام را افزوده ام تا هر روز ماه در همان روز ماه بکار گرفته شده باشد. به این ترتیب مهر روز که در ۱۶ هر ماه است در ماه مهر در ۱۶ مهر بنام مهرگان شناخته خواهد شد و نه در روز یازدهم و یا روز دیگری.

زردی من از تو، سرخی تو از من غم برو شادی بیا، نکبت برو روزی بیا

مردم ایران پیش از اسلام بیش از ۷۰ روز از روز های سال به منظور فراهم کردن انرژی در انسان ها و برای تاب آوردن رنج های ناشی از دوره آمیختگی نیکی و بدی به شادی و جشن می گذراندند.

پس از هجوم تازیان به ایران تلاش مذهبیبون اسلام زده بر آن شد این شادی ها را از میان مردم بردارند، ولی از آنجا که ویژگی و ژرفای فرهنگ ایران در ریشه های خونی و دلبندی ایرانیان جایگاه ویژه ای دارد به هر بهانه به مبارزه پرداخته و حتا اگر لازم آمده آنرا به گونه ای با خرافات مذهبی اسلامی آمیخته اند تا آن سنت ویا نماد را محفوظ بدارند. و از آن جمله است برای حفظ شیر و خورشید که نمادی چندین هزار ساله است در یک دوره نفوذ مذهبی و همچنین یکبار دیگر پس از مشروطیت صاحب شمشیر (ذوالفقار) تازی می شود تا باقی بماند.

در سفارش های بجا مانده از داریوش یکم، خشایارشا، اردشیر یکم، داریوش دوم و اردشیر دوم و سوم؛ مجموعا در ۲۱ سنگ نبشته، می آید: «بزرگ است اهورامزدا، که این زمین را پدید آورد، که آن آسمان را پدید آورد که مردم (انسان) را پدیدار ساخت، که شادی را برای مردم فراهم کرد.»

شاید در نگاه نخست مفهومی از این سنگ نبشته ها بدست نیاید ولی وقتی پس از سده ها پس از خواندن شاهنامه و دنبال کردن افکار و آثار بزرگان فرهنگی، مقایسه آنها با نسک های گمشده اوستا به علت «فراهم کردن شادی برای انسان» پی می بریم به آن ژرفی دست میابیم که شاد زیستن و شاد زیوی یک خویشکاری یک تکلیف طبیعی است که محیط همراه با انسان پدید آورده است. تمام طبیعت و ساختار جهان بر منبای شادی است. کوهستان و دریا و رودخانه و حیوانات، ماهی های دریا تا دانه های گلدان همه بر شادی اشاره دارند.

می دانیم که بنا به باور زرتشتی اهریمن یا «مینوی پلید» در برابر آفریده های نیک اهورامزدا، پلیدی های خویش را آفریده است و از این رو اهورامزدا زمان بی کرانه را کرانمند به سه هزار سال کرده تا در این مدت که «زمان آمیختگی اجباری نیکی و بدی است» انسان بتواند با کارهای نیک خود را برای چیرگی بر اهریمن به خود یاری رساند تا در پایان بر اهریمن پیروز شده و در واقع اهورامزدا (نماد نیکی ها، نمادی که برآستی در درون هر انسان نهفته است) پیروز شود و برای آن که انسان بتواند این دوران آمیختگی رنج آور را تاب بیاورد اهورامزدا شادی را برای او فراهم کرده است. انسان و آن همه پدیده های طبیعی در روز کره خاکی همه بر شادی زندگی می کنند و انسان نیز با الهام از شادی و شکوفایی و زیبایی طبیعت شادی را برای خود فراهم می آورد

شایان گفتن است که افزون بر آتش افروزی، مراسم دیگری نیز همچون: کوزه شکنی، فال گوش ایستادن، شال اندازی، بخت گشایی و... در این شب خاطره انگیز اجرا می کردند که هرکدام دارای خصوصیات جالبی می باشند که باز هم در دوران گذر از باستان به امروز به جشن «چهارشنبه سوری» افزوده شده اند.



نمونه، در مورد اجرای مراسم کوزه شکنی که هنوز هم کماکان در بین جوامع روستایی رواج دارد، در کوزه کهنه ای مقداری آب ریخته و از بالای بام بر زمین می اندازند و براین باورند که آب کوزه باعث روشنایی و فراخ روزی می گردد.

بوته افروزی

رسم است که پیش از پریدن آفتاب عصر سه شنبه، هر خانواده بوته های خار و گزنی را که از پیش فراهم کرده اند روی بام یا زمین خانه و یا در گذرگاه در سه یا پنج یا هفت «گله» کپه می کنند. با فرو رفتن آفتاب و نیم تاریک شدن آسمان، زن و مرد و پیر و جوان گرد هم جمع می شوند و بوته ها را آتش می زنند. در این هنگام از بزرگ تا کوچک هر کدام سه بار از روی بوته های افروخته می پرند، تا مگر ضعف و زردی ناشی از

بیماری و غم و محنت را از خود بزدایند و سلامت و سرخی و شادی به هستی خود بخشند. مردم در حال پریدن از روی آتش ترانه هایی می خوانند.

زردی من از تو، سرخی تو از من
غم برو شادی بیا، محنت برو روزی بیا
ای شب چهارشنبه، ای کلیه جارنده، بده مراد بنده

گروهی از مردم در بخش های مختلف ایران باور دارند که خاکستر چهارشنبه سوری نحس است، بنا براین کسی از کدبانو های خانه خاکستر را در خاک انداز جمع کرده و آنرا از خانه بیرون می برد. در بازگشت در خانه را کوفته و در پاسخ می گوید از شادی بر می گردد تا همواره شادی در خانه بماند. او به این ترتیب تندرستی و شادی را به درون خانه می آورد.

مراسم کوزه شکنی

در گوشه کنار ایران رسم است پس از آتش افروزی مقداری زغال به نشانه سیاه بختی، کمی نمک به علامت شور چشمی، و یک سکه دهشاهی (دیگر این سکه در ایران ارزشی ندارد)، به نشانه تنگدستی در کوزه ای سفالین می اندازند و هر یک از افراد خانواده یک بار کوزه را دور سر خود می چرخاند و آخرین نفر، کوزه را بر سر بام خانه می برد و آن را به کوچه پرتاب می کند و می گوید: «درد و بلاي خانه را ریختم به توی کوچه» که البته خرافاتی است که به شادی های آخر سال باستانی ایران زنگوله شده است.

فال گوش ایستادن

پس از اسلام که برخی خرافات مذهبی به فرهنگ ایران رخنه کرد مسئله فالگوش ایستادن و فال گرفتن هم به چهارشنبه سوری اضافه شد. رسم است زنان و دخترانی که شوق شوهر کردن دارند، یا آرزوی زیارت و مسافرت، غروب شب چهارشنبه نیت می کنند و با لباس مبدل ویا پس از اسلام که چادر به میان مردم آمد با چادر از خانه بیرون می روند و در سر گذر یا سر چهارسو می ایستند و گوش به صحبت رهگذران می سپارند و به نیک و بد گفتن و تلخ و شیرین صحبت کردن رهگذران تفال می زنند. اگر سخنان دلنشین و شاد از رهگذران بشنوند، برآمدن حاجت و آرزوی خود را برآورده می پندارند. اگر سخنان تلخ و اندوه زا بشنوند، رسیدن به مراد و آرزو را در سال نو ممکن نخواهند دانست. البته شیرینی اینکار در آن است که آنان که زرنگترند و از نیت فالگوش ایستاده باخبرند ویا اورا شناسائی کرده اند به شوخی حرف های بامزه ای هم می زنند.

قاشق زنی

مردان و زنان و دختران و پسران، در قاشق زنی شرکت می کنند. کاسه ای مسین برمی دارند و شب هنگام در کوچه و گذر راه می افتند و در برابر هفت خانه می ایستند و بی آنکه حرفی بزنند پی در پی قاشق را بر کاسه می زنند. صاحب خانه شیرینی یا آجیل، برنج یا بنشن و یا مینی پول در کاسه های آنان می گذارد. آنانی که اینکار را با نیت حرافی دنبال می کنند اگر چیزی در کاسه شان ریخته نشود یا چیزی نیاید که آرزو داشتند، از برآمدن آرزو و حاجت خود ناامید خواهند شد. گاه مردان به ویژه جوانان، چادری بر سر می اندازند و برای خوشمزگی و خنده و شادی به قاشق زنی در خانه های دوست و آشنا و نامزدان خود می روند.



همین کار در اروپا و به ویژه در آمریکای شمالی کپی برداری شده است و بچه ها با ماسک ها و لباس های مبدل در سی و یک اکتبر که بنام روز هالوئین مشهور است به درختانه ها می روند و آبنبات و شکلات و چیز های بامزه جمع می کنند.

آش چهارشنبه سوری

یکی دیگر از رسم هائی که مذهب به فرهنگ ایرانی تحمیل کرده است مسئله دادن آش به منظور شفا خواستن برای بیماران است. در شب چهارشنبه آخر سال «آش ابودردا» یا «آش بیمار» می پزند و آن را اندکی به بیمار می خوراندند و بقیه را هم در میان فقرا پخش می کردند. البته توجه دارند که این کار هم مثل همه کار های مذهبی گدا پروری است و ریشه درست و منطقی و ایرانی ندارد.

تقسیم آجیل چهارشنبه سوری

رسم است که آجیل چهارشنبه که به آجیل هفت مغز هم شناخته شده است خورده شود. برخی خانواده های هفت مغز را در اندازه زیاد خریده و آنرا باهم مخلوط کرده و پاک می کردند و در کیسه های ویژه می گذاشتند و میان خویش و آشنا پخش می کردند. به هنگام پاک کردن آجیل، قصه مخصوص آجیل چهارشنبه، معروف به قصه خارکن را نقل می کردند. امروزه، آجیل چهارشنبه سوری جنبه نذرانه اش را از دست داده و از تنقلات شب چهارشنبه سوری شده است. در آذربایجان باسلق، و میان پُر که گلابی پر شده از شکر نرم و هل و گلاب است را هم به این آجیل اضافه می کنند.



یافته های پژوهشی نشان می دهد که تمامی آیین ها و یادمان هایی که مردم ایران در هنگامه های گوناگون بر پا می داشتند و بخشی از آنها همچنان در فرهنگ این سرزمین پایدار مانده است، با منش، اخلاق و خرد نیاکان ما در آمیخته بود و در همه آنها، باور به نیک اندیشی، امید به زندگی، نبرد با اهریمنان و بدسگالان و مرگ پرستان، تشویق شادی در قالب نمادها، نمایش ها و آیین های گوناگون نمایشی گنجانده شده بود.

رفتار خشونت آمیز و مغایر با عرف و منش جامعه نظیر آنچه که امروزه تحت نام چهارشنبه سوری شاهد آن هستیم، در هیچکدام از این آیین های باستانی دیده نمی شود. آیین های باستانی ایران با هیچ خرافه و مذهبی همراه نیست و فقط انسان و طبیعت را و شادی های همراه آنرا در نظر دارد.

بی شک اگر این آیین که به مانند همه جشن های پدران و مادرانمان، سرشار از منش، اخلاق، خردورزی و بیاتگر جلوه هایی از زندگی آنان بوده اکنون این چنین مسخ شده و به شیوه ای ناهنجار برگزار می شود، جز هجوم به فرهنگ دیرین ایران جلوه دیگری ندارد. گروهی در ترقه بازی که به میان آتش افروزی پایان سال افزوده شده است کشته، کور و یا صدمه می بینند. گناه آن تنها بر گردن کسانی است که آگاهانه یا ناآگاهانه در پی مبارزه با فرهنگ ملی ایران هستند.

همه ساله بخت تو پیروز باد

همه روزگار تو نوروز باد

ح-ک

(اشتاد) مهر شید ۲۶ اسفند ۲۵۴۶ = ۱۶ مارچ ۲۰۰۸ ***** Monday, March 12, 2012 = 26 Esfand 2546
۵۳۹ سال پیش از میلاد ۱۱۶۰ سال پیش از فرار خفت انگیز از مکه به مدینه. 539 years BC, 1160 years prior to the deceptive To Medina
این تاریخ از فروردین ۲۵۴۵ هرروز تازه خواهد شد... تا زمانی که هر ایرانی
escape from Mecca
mail ...

<http://1400years.org/gahnameh.asp>
تاریخ ایرانی
Pure Iranian calendar